

مبانی کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اکبر عروتی موفق*

چکیده

قانون اساسی در هر کشوری مبتنی بر یک سلسله مبانی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم طبیعتاً با توجه به یک سلسله مبانی فلسفی، کلامی، عرفانی و فقهی تنظیم گردیده است. مسلماً مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی که تدوین‌کنندگان قانون اساسی ج. ا. ا. بدان معتقد بوده و براساس آن، شالوده اصول این قانون را بنا نهاده‌اند، وجه ممیز این قانون اساسی با قانون اساسی سایر کشورهاست. در این مقاله به این سوال که مبانی دینی کرامت انسانی چیست و آیا اصول گوناگون قانون اساسی ج. ا. ا. در پرداختن به حقوق اساسی انسان به کرامت ذاتی او توجه داشته است؟ پاسخ داده و مشخص نموده که مبانی دینی کرامت انسان خاصه کرامت ذاتی وی در بسیاری از اصول قانون اساسی تبلور یافته و با ذکر شواهد متعددی عدم تعارض بین اصول قانون اساسی ج. ا. ا. را با جایگاه متعالی انسان در نظام هستی و کرامت ذاتی و ارزشی او به اثبات می‌رساند.

واژگان کلیدی

قانون اساسی - مبانی - انسان‌شناختی - کرامت انسان - آزادی

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بوعلی سینا
A_orvati@yahoo.com
تاریخ دریافت: 95/6/10
تاریخ پذیرش: 95/9/5

1. مقدمه

قانون اساسی شالوده سیستم حکومت هر کشور و چارچوب و اساس حقوق آن به حساب می‌آید. در قانون اساسی اصول و قواعد اساسی شکل حکومت، قوای آن، حدود و اختیارات و وظایف هر یک از قوای مشخص شده در آن، تشکیلات و وظایف نهادهای اساسی، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و همچنین سیاست‌گذاری‌های کلی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور مطرح می‌گردد. (شعبانی، 1386، 26) قانون اساسی در هر کشوری بازتاب طبیعی و میثاقی عمومی است که در شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تحت تاثیر عقاید، افکار و آرمان‌های آن کشور تدوین شده و به تصویب نهایی می‌رسد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب طبیعی و میثاق انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ره بوده و در شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تحت تاثیر عقاید افکار و آرمان‌های انقلاب اسلامی تدوین گردیده و به تصویب نهایی رسیده است. تمامی محتوا و اصول این قانون که بیان‌کننده نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران است براساس اصول، ضوابط و تعالیم دین مبین اسلام و در موقعیت خاصی که برخاسته از شرایط ویژه انقلاب شکوهمند اسلامی و در ارتباط مستقیم با حوادث و عواملی که نهایتاً منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید، شکل گرفت.

قانون اساسی در هر نظامی مبتنی بر یک سلسله مبانی است. قانون اساسی ج. ا. ا. هم طبیعتاً همانند هر قانون اساسی دیگری مبتنی بر یک سلسله مبانی فلسفی، کلامی، عرفانی و فقهی است. تدوین‌کنندگان این قانون با الهام از تعالیم و آموزه‌های اسلامی و با تکیه بر یک سلسله اصول و مبانی خاص بر گرفته از آن به تدوین آن همت گماشت. به همین جهت بررسی و ارزیابی این مجموعه بدون بررسی و ارزیابی دقیق اصول و مبانی خاص آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. در مقدمه قانون اساسی که برآیند نگاه واضعین آن به مسائل گوناگون است هدف از حکومت این‌گونه بیان می‌گردد:

«... و چون هدف حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید. (تخلقوا با خلاق الله) و این جز در گروه مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد...»
(مقدمه قانون اساسی)

مسئله مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی‌ای که تدوین‌کنندگان قانون اساسی ج. ا. ا. معتقد بدان بوده و برآن اساس، شالوده اصول این قانون را بر آن بنا نهاده‌اند وجه

ممیز این قانون با قانون اساسی سایر نظام‌ها و کشورها گردیده است. حال با توجه به این امر در این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود. مبانی دینی کرامت انسانی چیست و در قانون اساسی ج. ا. ا. از چه جایگاهی برخوردار است؟ کرامت انسانی که از مسائل بنیادین انسان شناسی اسلامی است، در چه اصولی تجلی یافته است؟ آیا در اصول گوناگون قانون اساسی به کرامت ذاتی انسان توجه شده است؟ اصول ناظر به کرامت انسان با عنایت به مبانی کرامت انسان خاصه کرامت ذاتی او با مراجعه به آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته برای تبیین بهتر این مسئله، با بررسی صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج. ا. ا. و مقدمه و اصول مختلف آن با مراجعه به آیات و روایات مبانی کرامت انسانی علی‌الخصوص ظهورات و تجلیات کرامت ذاتی انسان را در قانون اساسی ج. ا. ا. مورد بررسی قرار می‌دهیم.

2. مبانی انسان شناختی قانون اساسی ج. ا. ا.

کلمه مبانی در لغت به معنی اساس، بنیان و بنیاد یک شیء است (معین، 1360، 3، 3777 و ابن فارس، 1418، 1، 302) بنابراین مبانی در هر علمی، پایه‌ها و بسترها و ساحت‌های زیرین آن علم است. در این مقاله منظور از مبانی انسان شناختی قانون اساسی ج. ا. ا. نوع نگاه و باورهای واضعین این قانون نسبت به انسان و کرامت اوست. طبیعتاً با توجه به این که اکثریت کسانی که در مجلس بررسی قانون اساسی حضور داشتند اسلام شناسانی بودند که با علم و آگاهی نسبت به انسان و جایگاه او در نظام هستی مبادرت به بررسی و تصویب قوانین نمودند. مطالعه صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی شاهدهی بر نوع نگرش آنان نسبت به کرامت انسان وملزومات آن می‌باشد. این نگاه برگرفته از آموزه‌های وحیانی و فرهنگ اسلامی است. فرهنگ اسلامی بیش از هرچیز به انسان و سرنوشت او اهتمام داشته و نظام ارزشی و اعتقادی آن براساس کمال و سعادت انسان سامان یافته است. معارف، آموزه‌ها و تعالیم اسلام، جملگی به اعتلای انسان نظر دارند، چنان که اساساً پیام اصلی پیام‌آوران الهی نیز حرکت انسان به سوی خدای متعال است. این معنا در اندیشه و آثار متفکران و دانشمندان مسلمان نیز ظهور داشته است. (خسرو پناه، 1391، 19).

2-1- کرامت انسانی

کرامت انسان از مباحث بسیار مهم و اساسی در حوزه انسان شناختی است و در مکاتب مختلف الهی و بشری رویکردهای متفاوتی را بوجود آورده است. در ادیان آسمانی به ویژه در دین اسلام مسئله کرامت انسان به صورت‌های مختلف و در مواضع گوناگون در قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر

اکرم α و ائمه اطهار β مورد توجه قرار گرفته و از اصول مهم و مبانی با ارزش انسان شناسی اسلامی است.

2 - 1 - 1 - معنای کرامت انسانی

اکثر لغت شناسان، کرامت را به معنای شرافت، بزرگواری، ضد دنائت و پستی آورده‌اند که معنای حقیقی آن بزرگ منشی و بزرگواری و شرافت بوده و معانی دیگر از مصادیق این معنای اصلی می‌باشند. (ابن فارس، 1418، 5، 172؛ فراهیدی، 1410، 5، 368؛ ابن منظور، 1408، 12، 510) کرامت موهبتی است که از منظر قرآن مجید در بین مخلوقات ظاهری خداوند تنها مخصوص آدمی است و هیچ موجود زمینی دیگری به این شرافت توصیف نشده است. کرامت انسان در آیات متعددی از قرآن کریم به صورت مستقیم و غیر مستقیم مطرح شده است از جمله در آیه کریمه: «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً؛ (اسراء، 70) ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم. علامه طباطبایی در بیان مراد از تکریم انسان و فرق آن با تفضیل در آیه فوق می‌فرماید: «تفضیل و تکریم ناظر به یک دسته از موهبت‌های الهی است که به انسان داده شده؛ تکریم او به دادن عقل است که به هیچ موجودی دیگر داده نشده، و انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می‌دهد. موهبت‌های دیگری از قبیل تسلط بر سایر موجودات و استخدام و تسخیر آنها برای رسیدن به هدف‌ها از قبیل نطق و خط و امثال آن نیز زمانی محقق می‌شود که عقل باشد. «و اما تفضیل انسان بر سایر موجودات به این است که آن‌چه را که به آنها داده، از هر یک سهم بیشتری به انسان داده است ...» (طباطبایی، 1389، 13، 226)

و این در حالی است که آیه الله جوادی آملی، صدر و ذیل آیه (حتی تفضیل) را بیانگر کرامت انسان می‌داند؛ با این تفاوت که صدر آیه را ناظر به کرامت نفسی انسان (ولقد کرّمنا بنی آدم) و ذیل آیه را ناظر به کرامت نسبی او (فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً) معرفی می‌کند. (جوادی آملی، 1366، 18) ایشان در بیان دیگری در تبیین آیه فوق می‌فرماید: خدای کریم به انسان هم کرامت بخشیده و هم فضیلت. کرامت ناظر به شرافت ذاتی شیء است که ویژه اوست و مقایسه با غیر در آن لحاظ نمی‌شود. برخلاف تفضیل که مقایسه با غیر رکن آن است. خداوند تبارک و تعالی افزون بر تکریم انسان، وی را بر بسیاری از موجودات برتری داده است. بنابراین مقصود از فضیلت انسان نسبت به بسیاری از مخلوقات، این است که هرچیزی که به آنها داده شده، بیشترش به انسان اعطا

شده است و ممکن است خداوند چیزی به انسان داده باشد که اصلاً اندکی از آن را به حیوان نداده باشد. (جوادی آملی، 1390، 216). ایشان در جای دیگری می‌فرماید: کرامت انسان نشان دهنده آن است که وی حقیقتاً از لحاظ وجودی دارای امتیاز و برجستگی است. به دیگر بیان، کرامت انسان حاکی از آن است که وی دارای کیفیتی برتر و عالی است و گوهر برین موجودات جهان به‌شمار می‌رود. (همان، 162).

2-1-2 گونه‌های مختلف کرامت انسان در قرآن کریم

به نظر می‌رسد در قرآن کریم از دو گونه کرامت برای انسان استفاده شده است:

2-1-2-1 کرامت ذاتی

کرامت ذاتی انسان از دیدگاه اسلام، موهبتی است از طرف خدا، مانند «خرد» و «وجدان» که هر دو موهبت عظمای الهی به انسان‌هاست. این کرامت دارای ارزشی بالقوه است که اگر به وسیله تلاش و تکاپوی مخلصانه در مسیر «حیات معقول» به فعلیت برسد، دارای ارزشی مستند به «اراده آزاد» می‌شود. (جعفری، 1385، 223) در این نوع از کرامت همه انسان‌ها برابرند و در آن انسان‌ها نسبت به یکدیگر امتیازی ندارند. از این حیث همه انسان‌ها در حقوق عمومی و اجتماعی با هم برابرند.

این کرامت که غیر مقید به دین و عقیده می‌باشد، (عمید زنجانی، 1386، 163) برای همه انسان‌ها وجود دارد و مادامی که فردی آن را با اراده خود از طریق ارتکاب جنایت و خیانت نسبت به خودش و دیگران، از خود سلب نکرده باشد، شایسته تکریم است. به عبارت دیگر کرامت ذاتی حالت مشکک ندارد، چرا که این کرامت نتیجه بشریت است و بشریت مفهومی مشکک نیست بلکه هر انسانی از آن رو که انسان است صاحب کرامت است و همه انسان‌ها از آن رو که به یک اندازه از انسان بودن بهره برده‌اند طبق آیه کریمه «لقد کرما بنی آدم» ذاتاً از کرامتی یکسان برخوردارند. (همان، 165)

از نظر علامه طباطبایی، نیز آیه فوق بیان‌کننده برتری ذاتی تمام افراد بشر، حتی مشرکان و کافران بر بسیاری از مخلوقات، یعنی جن‌ها و حیوانات می‌باشند. (طباطبایی، همان) ابن عاشور مراد از بنی آدم را در آیه 70 سوره اسراء جمع نوع بشر می‌داند (ابن عاشور، 1384، 14، 131)، صاحب روح المعانی نیز، کرامت را برای همه آدمیان از نیکوکاران و بدکاران می‌داند و امتیازی را برای گروهی بر دیگری در بهره‌مندی از کرامت نمی‌پذیرد. (آلوسی، 1415، 8، 112) این در حالی است که برخی از مفسرین بر این باورند که کرامت انسان در قرآن در قلمرو دین می‌گنجد و اگر شخصی هوی مدار باشد، نه خدا محور، این چنین شخصی خلیفه الله نیست و وقتی خلیفه الله نبود، خطاب

«کرنا» شامل او نمی‌شود. (جوادی آملی، 1386، 4)

ظاهراً در این نگاه کرامت شامل همه انسان‌ها نخواهد بود، بلکه کرامت ذاتی برای خلیفه خدا مورد نظر است اما با توضیحی که خواهد آمد می‌توان این دو نگاه را به هم نزدیک نمود. در سیره نظری و سیره عملی پیامبر اکرم α و اهل بیت β هم مکرراً به کرامت انسان‌ها اشاره شده است.

جابر بن عبدالله نقل می‌کند:

«جنازه یک یهودی را از کنار ما عبور می‌دادند، ما جلوس کردیم، اما پیامبر α به احترام جنازه قیام کردند، به پیامبر α عرض کردیم آن جنازه از آن یک یهودی بود، حضرت فرمودند: هنگامی که جنازه‌ای را مشاهده کردید قیام نمایید.» (بخاری، 1422، 2، 85)

همچنین نقل شده است که جمعی از اصحاب در منطقه‌ای وقتی جنازه‌ای عبور داده شد به احترام آن قیام کردند، در مقابل به آنها گفته شد: جنازه از آن اهل ذمه است. اصحاب در جواب گفتند: چنین ماجرای برای ما هم پیش آمد و پیامبر در مقابل جنازه قیام کردند و وقتی با اعتراض روبرو شدند فرمودند: «آیا او یک انسان نیست؟» (همان)

حضرت علی β در نامه معروف خود به مالک اشتر در مورد حقوق مردم و برخورد با آنان فرموده-
اند:

«... فانهم صنفان: اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق...» (نهج البلاغه، نامه 53)

آن حضرت اخوت در دین یعنی عقیده را در عرض و مساوی با انسانیت و هم‌نوع بودن دانسته و هیچ ترجیحی از نظر حقوق برای صرف عقیده قائل نشده‌اند. برای اثبات حرمت و کرامت ذاتی انسان _ بدون ملاحظه عقیده و فکر او _ به روایات دیگری نیز می‌توان استناد نمود. از جمله روایات باب‌های «حسن الخلق»، «حسن البشر»، «مداراه»، «کتاب العشره»، «التسلیم علی اهل الملل» در منابع روایی علی‌الخصوص کتاب الکافی.

امام خمینی ω به عنوان یک اسلام شناس و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، برای کرامت و عزت همه انسان‌ها، چه شهروندان مسلمان جمهوری اسلامی و چه غیر آنان، اهمیت و ارزش والایی

قائل بود و همواره همگان را به این مسئله سفارش و امر می‌کرد هم‌چنان که در پیام 8 ماده‌ای خویش در تاریخ 24 / 9 / 61 رعایت بیشتر کرامت انسان‌ها و عدم نقض حقوق و عزت آنها را یادآور شدند و موارد غیر قانونی مانند احضار و توقیف افراد، دخل و تصرف یا توقیف و مصادره غیر شرعی اموال، ورود بدون اجازه به حریم خصوصی و کشف گناه و تجسس و افشای اسرار مردم را با صدور این دستور به شدت نهی نمودند و چنین مواردی را جرم و گناه و مخالف حفظ کرامت انسانی به حساب آوردند. (صحیفه امام، 18، 139 تا 143) امام معتقد بودند که حقوق بشر در اسلام محترم است و هیچ کس حتی به اسم حفظ آزادی و استقلال، حق سلب آن را از مردم ندارد. (همان، 14، 69)

دلیل امام برای ارزش ذاتی و کرامت انسان‌ها این است که همه آنها مخلوق خدا و بنده او هستند و ایشان با الهام از اصل توحید و یکسانی همه مردم در پیشگاه خداوند اصل برابری آحاد بشری و کرامت انسانی همگان را استنتاج می‌نماید و ملاک ارزش و کرامت مزبور و تنها ملاک بیشتر در این زمینه را رعایت تقوا و پاکی از انحراف و خطا به‌شمار می‌آورد. (همان، 4، 167) افزون بر این امام اصل تساوی همگان در برابر قانون را نیز از اصل برابری و کرامت ذاتی انسان‌ها نتیجه می‌گیرد، بنابراین همه موظف به رعایت قانون‌اند و ارزش افراد به مقام و جایگاه نیست بلکه به تقوای الهی است. (همان، 14، ص 145 و 16، ص 143) بر همین اساس در موقع تدوین و تصویب قانون اساسی، امام خمینی در جهت جامعیت این قانون به مجلس مزبور توصیه‌هایی نمودند که یکی از آنها حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت و دوری از تبعیض‌های ناروا بود. (همان، 8، 256)

2 - 1 - 2 - 2 کرامت ارزشی یا اکتسابی

در نگاه انسان شناسی اسلامی که برآمده از نگاه وحیانی به انسان است. انسان به دلیل دارا بودن کرامت ذاتی ویژه، وظیفه سنگینی بر دوش دارد. هرگاه انسان از موهبت‌ها و ویژگی‌های خدادادی در مسیر رسیدن به هدف آفرینش - یعنی شناخت و پرستش خدا بهره‌گیرد، به کرامت‌ها و کمالات بالاتر که همان کرامت اکتسابی است دست می‌یابد. به بیان دیگر آدمی در پرتو آزادی و اختیار خود می‌تواند با ایمان و عمل صالح و به کارگیری صحیح موهبت‌های الهی به درجات بالاتری از کرامت نایل آید. از همین رو از منظر قرآن کریم، با کرامت‌ترین انسان نزد خدا با تقواترین آنان است. (حجرات، 13).

چنان که ایمان و عمل نیز مایه رسیدن به مقامات رفیع معنوی است. (مجادله، 11) بدین سان،

کرامت ذاتی ابزار و مقدمه‌ای برای دستیابی به کرامت اکتسابی است. از دیگر سو، انسان براساس قدرت اراده و اختیار می‌تواند از این نعمت‌ها استفاده نکند و یا آنها را در مسیر اهداف شیطانی به کار برد، در این صورت آدمی از کرامت اکتسابی محروم می‌شود و حتی مقامش از ستوران فروتر می‌گردد. چرا که با وجود بهره‌مندی از ابزارهای دستیابی به کرامت اکتسابی همچون بهایم از این کرامت محروم است. (رضا برنجکار و علینقی خدایاری، 1390، 142). با درک درست مطلب فوق شبیه وجود تناقض و تعارض بین کرامت ذاتی انسان و کرامت ارزشی او منتفی می‌گردد. از دیدگاه اسلام، هم چنان که دفاع از کرامت و شرف انسانی لازم است، به همان سان ارشاد کسی که بر فرض بسیار بعید بخواهد از کرامت و شرف خود دست بردارد لازم است. (جعفری، 1385، 238) پس از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها از کرامت ذاتی برخوردار هستند و بواسطه این کرامت ذاتی و موهبتی از تمامی حقوقی که برای یک انسان از آن جهت که انسان است بهره‌مند می‌باشند. اما اگر انسان عاقلی با قصد و اراده و اختیار عمل ناروایی را انجام دهد، خود را از برخی حقوق محروم می‌کند. به عنوان نمونه همه آحاد بشر بواسطه کرامت ذاتی از حق حیات بهره‌مند می‌باشد. «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» (انعام، 151) اما اگر انسانی با شرایط خاصی قتلی را مرتکب گردید و یا امنیت جامعه را به مخاطره انداخت خود را معرض تنبیه قرار می‌دهد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «من قتل نفساً بغير نفس أو فساداً فی الأرض فكأنما قتل الناس جميعاً ومن أحيأها فكأنما أحيأ الناس جميعاً» (مائده، 32) در عین حال باید توجه داشت که در معرض تنبیه قرار گرفتن افراد به معنی سلب تمامی حقوق آنها نیست. توصیه‌های موکد امام خمینی ره در زمینه سلامت نظام قضایی و احترام به حقوق متهمین و حفظ کرامت انسانی آنان در همین زمینه قابل بررسی و تحلیل است. از جمله ایشان می‌فرماید: اگر چنانچه کسی فرزند کسی را کشته باشد، حقی که اسلام به او داده این است که روی موازین آن قصاص بکنند. هیچ حق دیگری ندارد. یعنی اگر فرزند یک نفر را، فرزندهای یک نفر را، عشیره‌ی یک نفر را، یک نفر قتل عام بکند و همه را بکشد، در اسلام این است که این را باید قصاص کرد و کشت. بیش از این حقی برای کسی قائل نیست. یک فحش حق ندارد به او بدهد؛ یک سیلی حق ندارد ... بزند. (صحیفه امام، 1389، 8، 256 - 257)

2-1-3 جایگاه و اهمیت کرامت انسان در قانون اساسی ج 1.1

کرامت انسانی از جمله مسائلی است که امروزه در ادبیات حقوقی و اجتماعی معاصر مورد توجه قرار

گرفته است. همان‌طور که بیان شد کرامت انسان بدین معنی است که انسان به ما هو انسان، عزیز و شریف و ارجمند است، لذا در تدوین حقوق بشر نیز، ملاحظه انسان از آن حیث که انسان می‌باشد مبانی اصلی است نه معیارهایی چون رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی و ... علامه جعفری می‌فرماید: همه انسان‌ها از حق کرامت ذاتی برخوردار بوده و احترام ذاتی دارند. (جعفری، 1385، 81) کرامت انسان در اعلامیه حقوق بشر بر اصل حقوق طبیعی بشر مبتنی می‌باشد. یعنی بشر از آن جهت که بشر است و صرفاً به اعتبار انسان بودنش حقوقی دارد و هیچ امر خارجی و عارضی نباید مانع از برخورداری وی از این حقوق باشد و عزت و رأفت و کرامت وی باید حفظ شود.

در قانون اساسی ج. ا. ا. کرامت انسان، هم صراحتاً و هم به صورت غیر صریح مورد توجه قرار گرفته و به انحاء مختلف مطرح شده است. اصل دوم قانون اساسی ج. ا. ا. در ترسیم باورداشت‌ها و پایه‌های اعتقادی جمهوری اسلامی می‌گوید:

«جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ عدل خدا در خلقت و تشریح؛ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومی (ع.ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. ج) نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این اصل، کرامت و ارزش والای انسان از مبانی و زیرساخت‌های مسلم جمهوری اسلامی قلمداد شده و از پایه‌های ایمانی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به‌شمار آمده است. با توجه به مسائل مطرح شده علاوه بر بند 6 اصل دوم، واضعین قانون اساسی ج. ا. ا. سعی وافر نموده‌اند تا با وضع اصول دیگری به کرامت انسانی جامه تحقق ببوشانند. از جمله این اصول به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود: 1. «اصل نوزدهم - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» برای این اصل مستندات فراوانی در آیات و روایات می‌توان یافت از جمله: الف) «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم» (حجرات، 13) ب) در حدیث نبوی مروی از رسول خدا α

آمده است که حضرت فرمود: «ایها الناس الا ان ربکم واحد و ان اباکم واحده الا لا فضل لعربی علی اعجمی و لا اعجمی علی عربی و لا اسود علی احمر و لا احمر علی اسود الا بالتقوی» (قرطبی، 1405، 16، 342؛ مجلسی، 1403، 22، ص 348)

آیت الله جوادی آملی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی می‌فرماید: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو اصل درباره شرافت و کرامت انسان است: یکی درباره تساوی افراد و دیگری درباره تساوی اقوام. قانون‌گذاران می‌توانستند این دو اصل را در یک اصل بگنجانند؛ ولی چون این دو اصل، بیانگر دو مطلب جداگانه است و قانون اساسی باید با قانون عادی فرق کند و همه کلمات و الفاظ آن دقیق و حساب شده باشد، دو اصل ارائه شد. در یک اصل آمده است که همه افراد از کرامت انسانی برخوردارند و هیچ فردی بر دیگری برتری ندارد و همه در برابر قانون یکسانند. در اصل دیگر آمده است که همه نژادها، طایفه‌ها و قبیله‌ها یکسانند و هیچ نژادی با نژاد دیگر و هیچ قبیله‌ای با قبیله دیگر تفاوت ندارد.

دلیل تفکیک این دو اصل، این است که اصل نخستین از آیه سوره «حجرات» گرفته شده است که گویای تساوی افراد است و اصل دوم از سخنرانی رسمی رسول گرامی α پس از فتح مکه، درباره برابری اقوام و نژادها برداشت شده است و این دو موضوع، کاملاً از هم جداست. (جوادی آملی، 1388، 18)

2. «اصل بیست و دوم - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

3. «اصل بیست و سوم - تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای، مورد تعرض و مواخذه قرار داد.»

4. «اصل بیست و پنجم - بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر با حکم قانون»

5. «اصل بیست و هشتم - هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» (همچنین بندهای 2 و 4 اصل چهل و سوم)

6. «اصل بیست و نهم - برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار

افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.

دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند.»

7. «اصل سی‌ام - دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

8. «اصل سی و یکم - داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

9. «اصل سی و دوم - هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلیل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»
اصول 33، 34، 35، 37، 38 نیز در راستای حفظ کرامت انسانی می‌باشد. در بین این اصول، اصل سی و نهم از جهاتی بسیار مهم است:

«هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.»

توجه به حقوق عمومی یا حقوق اجتماعی سیاسی مردم در قانون اساسی نشان دهنده توجه بسیار بالایی آن به شأن و کرامت انسان‌ها در قانون اساسی است حضور آزادانه، آگاهانه و موثر مردم در اداره کشور نزد تدوین‌کنندگان قانون اساسی چنان اهمیتی داشته که یک فصل از قانون اساسی را که شامل 24 اصل است به این امر اختصاص داده‌اند. افزون بر این در سایر فصول نیز به تناسب باز به حقوق ملت اشاره شده است. از جمله اصول 1، 2، 3، 6، 10، 11، 43، 46، 47، 56، 62، 67، 79، 100، 107، 114، 154 قانون اساسی، یعنی بیش از 20 درصد اصول قانون اساسی به حقوق، شئون، کرامت انسان‌ها و آحاد جامعه پرداخته است. این موضوع نمایانگر جایگاه انسان‌ها در حکومت جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن می‌باشد. از مهم‌ترین مصادیق توجه به کرامت انسان آزادی بشر در ابعاد و زوایای گوناگون آن می‌باشد به همین جهت در قانون اساسی ج. ا. ا. سخت

مورد توجه خبرگان منتخب مردم که عمدتاً از اسلام شناسان برجسته بودند قرار گرفته و در اصول گوناگون آن نمود پیدا کرده است.

2-1-3-1- جایگاه و اهمیت آزادی در قانون اساسی ج. 1.1

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائل اساسی در انسان شناسی اسلامی، مسئله آزادی انسان می‌باشد. آزادی، معانی پرشمار و تفسیرهای گوناگونی دارد، اما در عین حال برای انسان مفهومی بسیار ارزشمند است که معمولاً در کنار اختیار و اراده ملاحظه می‌شود. هم‌اندیشه بشری و هم‌فرهنگ دینی انسان را ذاتاً آزاد و مختار می‌داند و حفظ این صفت ارزشمند رابه او سفارش می‌کنند. (خسرو پناه، 1392، 141) حضرت علی β در سفارشات خودشان به امام حسن β می‌فرمایند: «ولا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» (نهج البلاغه، نامه 31 و غررالحکم و دررالکلم، 1366، 2، 329) هم‌چنین از ایشان روایت شده: «ان الناس کلهم احرار» (کلینی، 1425، 7، 420) از نظر امام علی همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و اصل بر آزادی آنهاست و این آزادی آمیخته و ممزوج با سرشت و خمیر مایه آدمی است. براساس اندیشه اسلامی معیار و قلمرو آزادی انسان را مبدا هستی بخش او تعیین می‌کند که از حیطة هستی وی آگاه است. از آنجا که هدف خلقت انسان رسیدن به قرب الهی بوده و مصالح دنیوی نیز مقدمه‌ای برای این هدف است، معیار کلی حد آزادی از نظر اسلام مصالح مادی و معنوی و دنیوی و اخروی انسان‌هاست. شرط اصل آزادی انسان آن است که تامین کنند مصالح او باشد، یا دست کم با آن تضادی نداشته باشد. قوانینی که در اسلام به عنوان حدود آزادی معین شده، برخاسته از همین اصل کلی است. مقصود از منافع دنیوی انسان‌ها، مصالح و مفاصل واقعی ایشان است، نه آنچه تنها بر طبق خواست و میل آنان خوب و بد محسوب شود. (مصباح یزدی، 1380، 375) اراده بشر تا آنجا محترم است که با استعدادهای عالی و مقدسی که در نهاد بشر است هماهنگ باشد و او را در مسیر ترقی و تعالی بکشاند، اما آنجا که بشر را به سوی فنا و نیستی سوق می‌دهد و استعدادهای نهانی را به هدر می‌دهد احترامی نمی‌تواند داشته باشد. (مطهری، 1382، 19، 645) رعایت حق الهی، مطابقت با ضوابط عقلی تامین مصالح فردی، تامین مصالح و حقوق دیگران و رعایت حق جامعه، قیود مندرج تحت عنوان مذکورند. (خسرو پناه، همان، 160) قطعی است که هر انسانی با مراعات حدود و شرایط مذکور، باید از آزادی و اختیار در حد اعلا برخوردار باشد و این حق مانند حق حیات و حق کرامت، از عنایاتی است که خداوند بر بندگانش مرحمت فرموده است. حق آزادی در اسلام، در پنج محور زیر قابل بررسی است: 1. آزادی عقیده؛ 2. آزادی اندیشه؛ 3. آزادی بیان و تبلیغ؛ 4. آزادی رفتار؛ 5. آزادی از هرگونه بردگی (جعفری، 1385، 81 و 273 - جعفری 1369، 362)

به عقیده بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران آزادی حق اولیه بشر است که از آغاز خلقت از طرف خداوند به او داده شده است. (صحیفه نور، 1372، 12، 13) آزادی در کلام ایشان با تعبیری نعمت بزرگ الهی و هدیه آسمانی و امانت الهی آمده است و امتیازی نیست که حکومت یا دولتی آن را اعطا کند یا قصد گرفتن آن را داشته باشد؛ (همان، 2، 67) بلکه حقی است که انسان قبل از به وجود آمدن جامعه سیاسی از آن برخوردار بوده است و حکومت موظف به پاسداری آن است. لذا مسئله آزادی به انحاء گوناگون در اصول مختلف قانون اساسی ج. ا. ا. مورد توجه واقع شده است از جمله:

1. اصل 23. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

براساس این اصل نمی‌توان افرادی را که دارای عقاید و اندیشه‌های دیگری هستند، مواخذه و بازخواست نمود و یا چیزی برخلاف خواسته آنان، بر آنها تحمیل کرد. آیه شریفه «لااکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (بقره، 256) دین هر نوع عقیده‌ای اجباری را نفی می‌نماید. چرا که دین یک سلسله معارف علمی است که معارف عملی را در پی دارد. وایمان و اعتقاد از امور قلبی است که اگر اجبار در آن راه ندارد و اگر ایمان با اجبار توأم شود، در اعمال نیز اثر می‌گذارد و عمل اکراهی فاقد ارزش است. (طباطبایی، 1389، 2، 342) با توجه به این که مطابق اصل 12 قانون اساسی ج. ا. ا. «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است» اما در قانون اساسی تمهیداتی برای مذهب و ادیان دیگر، که در نظام جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند، اندیشیده شده است.

«مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و حیثیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند.» (اصل 12) همچنین در این اصل پیش‌بینی شده که «در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شورها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب»

2. اصل 13 نیز درباره‌ی پیروان سایر ادیان الهی که در ایران زندگی می‌کنند، این چنین می‌گوید: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

3. اصل 14 به طور عام و گسترده افراد غیر مسلمان را مورد توجه قرار داده و می‌گوید:

«به حکم آیه شریفه «لاینها کم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آن را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

4. اصل 15 با توجه به این واقعیت که در ایران علاوه بر اقلیت‌های مذهبی و دینی، زبان‌های محلی و قومی متنوعی نیز وجود دارد، درعین این که زبان و خط رسمی، مشترک مردم ایران را فارسی می‌داند ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی را در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس را در کنار زبان فارسی آزاد می‌داند.

5. اصل 24 با تکیه بر آزادی بیان صراحتاً بیان می‌کند که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد» در اصل 175 هم به تامین آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران تاکید شده است.

6. اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌کند برای نیل به اهداف ذکر شده در اصل دوم همه امکانات خود را برای حصول امور 16 گانه‌ای که در ذیل این اصل آمده به کار گیرد. از جمله در بند هفتم این اصل «تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون»، در بند هشتم «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، ذکر شده است.

7. اصل 25 آزادی در حوزه‌های خصوصی را مورد تاکید قرار داده و می‌گوید: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون»

8. در اصل 26 با توجه به آزادی‌های سیاسی و احزاب می‌گوید: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی؛ وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی رانقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» و در اصل 27 «تشکیل اجتماعی و راه پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

9. مطابق اصل 28 آزادی انتخاب شغل و امنیت مالکیت بیان شده است:

«هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق

دیگران نیست برگزیند»

در بند 4 اصل 43 نیز «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری

از بهره کشی از کار دیگری» از جمله ضوابط نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

11. اصل 33 با تاکید بر آزادی انتخاب مسکن و محل اقامت می گوید: هیچکس را نمی توان از

محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی

مجبور ساخت. مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد. همچنین در اصل 41 در مورد تابعیت نیز

آزادی افراد را محترم می شمارد. «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت

نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت

کشور دیگری در آید.»

2- 1- 3- جایگاه و اهمیت حق انسان در تعیین سرنوشت اجتماعی در قانون اساسی ج. 1. 1

یکی دیگر از مباحث مهم در انسان شناسی اسلامی، تعیین سرنوشت اجتماعی انسان ها توسط

خودشان است. قرآن کریم می فرماید: انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا (انسان: 3) خداوند به

انحاء گوناگون چه از طریق هدایت تشریحی و چه هدایت تکوینی راه را به انسان نشان می دهد ولی

این خود انسان است که باید با انتخاب صحیح در مسیر قرار گیرد ولی در عین حال او آزاد است که

در زمره شاکرین باشد و یا با کفرپیشگان همراهی نموده و خط سیر زندگی خود را تعیین نماید.

در آیه دیگر از قرآن کریم این گونه می خوانیم «ولقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم

الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: 25) در این آیه کریمه خداوند می فرماید ما

پیامبرانمان را با دلایل و براهین بین و آشکار فرفرستادیم و با آنها کتاب و میزان یعنی قانون و ابزار

سنجش را هم نازل کردیم تا بدینوسیله مردم برای اقامه قسط عدل قیام نمایند.

اصل 56 قانون اساسی با به رسمیت شناختن حق حاکمیت در باره حق تعیین سرنوشت انسان

این چنین می گوید:

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را به سرنوشت

اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی تواند این حق الهی را از

انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این

حق خداداد را از طرقي که در اصول بعد مي آيد اعمال مي کند.»

اين نکته به خوبي در مقدمه قانون اساسي تبیین گردیده آنجا که مي گوید:

«قانون اساسي تضمین گر نفي هر گونه استبداد فکري و اجتماعي و انحصار اقتصادي مي باشد و در خط گسستن از سيستم استبدادي و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش مي کند. (ويضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم)» نمونه ديگر از اين امر را مي توان در اصول مربوط به شوراهای در قانون اساسي مشاهده نمود. عدم تمرکز اداري و شرکت مردم در اداره جامعه، در شکل شوراهای محلي از جمله حقوق اساسي مردم است که اصطلاحاً به آن خودگرداني مي گویند. (هاشمي، 1374، 2، 668)

در اين اصول که مبتني بر حق تعيين سرنوشت اجتماعي مردم است، خود مردم با حضور در شوراهای که در اصول متعددي مورد توجه قرار گرفته مستقيماً در اداره و جهت دهی امور جامعه مشارکت دارند.

جمع بندی و نتیجه گیری:

قانون اساسي در هر نظامي مبتني بر يك سلسله اصول و مباني خاصي است که برآمده از عقايد، افکار و آرمان های آن کشور است. قانون اساسي ج ۱۰۱ هم دارای مباني خاصي است و به واسطه آن مباني، که شامل مباني هستي شناختي، معرفت شناختي و انسان شناختي برخاسته از آموزه ها و تعاليم وحیاني است، از قوانين اساسي ساير کشورها متمایز مي گردد. در اين مقاله تبلور کرامت انساني که از مسائل مهم و اساسي انسان شناسي اسلامي است، در قانون اساسي ج ۱۰۱ مورد بررسی قرار گرفت. واضعین قانون اساسي با توجه به اصول بنيادين انسان شناسي اسلامي نظير خليفه الله بودن انسان، کرامت ذاتي و آزادي او، با عنايت به اعتقادات ديني و مذهبي به تدوين آن همت گمارده اند. با درک درست جايگاه انسان در نظام هستي و جمع بندی دقيق و منطقي آيات و روايات شبيهه وجود تناقض و تعارض بين کرامت ذاتي انسان و کرامت ارزشي و اکتسابي او منتفی مي گردد. خبرگان تدوين کننده قانون اساسي که خود عمدتاً از اسلام شناسان به نام بوده اند تعارضي بين دو حوزه کرامت ذاتي و ارزشي نمی دیدند. آن ها با تفکيک کامل و بجای کرامت ذاتي و ارزشي از هم ديگر، وبا احترام به کرامت ذاتي انسان ها و با عنايت به ابعاد گوناگون آن موادي را ناظر به کرامت ذاتي انسان به تصويب رسانده اند. از نظر آنان هم چنان که دفاع از کرامت و شرف انساني لازم است، به همان

سان ارشاد کسی که بر فرض بسیار بعید بخواهد از کرامت و شرف خود دست بردارد نیز لازم می-باشد.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. قانون اساسی، ج. ۱. ۱
4. آلوسی، سید محمد، 1415، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه
5. ابن عاشور، محمد بن طاهر، 1384، التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی
6. ابن فارس، احمد 1418، معجم مقاییس اللغه، بیروت دارالفکر، چاپ دوم
7. ابن منظور، محمد ابن مکرم، 1408، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، تحقیق علی شیری
8. بخاری، ابو عبدالله محمد ابن اسماعیل، 1422، صحیح البخاری، دمشق، دار طوق النجاه
9. برنجکار، رضا و خدایاری، علینقی، 1390، انسان شناسی اسلامی، قم، نشر معارف
10. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (1366)، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
11. جعفری، محمد تقی، 1385، حقوق جهانی بشر، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه
12. جعفری، محمد تقی، 1369، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه
13. جوادی آملی، عبدالله، 1390، تفسیر انسان به انسان، قم، مرکز نشر اسراء
14. جوادی آملی، عبدالله، 1388، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، مرکز نشر اسراء
15. جوادی آملی، عبدالله، 1386، فلسفه حقوق بشر، قم، مرکز نشر اسراء
16. جوادی آملی، عبدالله، 1386، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء
17. جوادی آملی، عبد الله، 1366، کرامت در قرآن، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء
18. خسروپناه، عبدالحسین، 1392، انسان شناسی اسلامی، قم، نشر معارف
19. خمینی، سید روح الله، 1389، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
20. خمینی، سید روح الله، 1372، صحیفه امام، تهران، سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی
21. شعبانی، قاسم، 1386، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات
22. صفار، محمد جواد، 1382، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه عالی

آموزش و پژوهش

23. طباطبایی، سید محمد حسین، 1389، *تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین
24. عمید زنجانی، عباسعلی و محمد مهدی توکلی، 1386، *حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام*، فصل نامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان 86، دوره 37 شماره 4 از صفحه 161 - 189
25. فراهیدی، خلیل بن احمد، 1410، *العین*، قم، دارالهجره، چاپ دوم
26. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، 1405، *تفسیر قرطبی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم،
27. کلینی الرازی، محمد بن یعقوب، 1425، *الاصول عن الکافی*، تهران، دارالاسوه للطباعه و النشر
28. مجلسی، محمد باقر، 1403، *بحار الانوار بیروت*، دار احیاء التراث العربی
29. مصباح یزدی، محمد تقی، 1380، *نظریه حقوق اسلامی*، قم، موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی
30. مطهری، مرتضی، 1382، *مجموعه آثار*، ج 19، تهران، صدرا
31. معین، محمد، 1360، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر
32. هاشمی، سید محمد، 1374، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی